

بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر هزینه های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی: رویکرد الگوسازی معادلات ساختاری

مهدی حیدری^۱، بهمن قادری^۲، پیمان رسولی^۳

چکیده: در این پژوهش، اثر کیفیت حسابرسی بر هزینه های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی با رویکرد الگوسازی معادلات ساختاری بررسی می شود. برای دستیابی به اهداف پژوهش، ۹۹ شرکت از بین شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲ برای نمونه آماری انتخاب شدند. کیفیت حسابرسی به کمک متغیرهای مشاهده پذیر درصد سهامداران نهادی، نوع اظهار نظر حسابرس، اندازه حسابرس و دوره تصدی حسابرس اندازه گیری می شود و سنجش هزینه های نمایندگی نیز با استفاده از نسبت به کارگیری دارایی ها، درصد بازده دارایی ها، نسبت کیو - توپین و نسبت اهرمی انجام می گیرد. به منظور کمی کردن مقدار متغیر عدم تقارن اطلاعاتی، از متغیرهای مشاهده پذیر نوسانات قیمت سهام، خطای پیش بینی سود، اندازه شرکت و درصد سهامداران غیر نهادی استفاده می شود. پس از اطمینان یافتن از برازش قابل قبول الگوهای اندازه گیری و ساختاری پژوهش، نتایج حاکی از آن است که با افزایش کیفیت خدمات حسابرسی، تعارضات ناشت گرفته از تفکیک مالکیت از مدیریت، شامل هزینه های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی، کاهش می یابند. همچنین، بر اساس نتیجه دیگر، افزایش هزینه های نمایندگی، افزایش سطح عدم تقارن اطلاعاتی را به همراه دارد.

واژه های کلیدی: الگوسازی معادلات ساختاری، عدم تقارن اطلاعاتی، کیفیت حسابرسی، هزینه های نمایندگی.

۱. استادیار گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

۲. کارشناس ارشد حسابداری، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۰/۱۹

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۵/۰۵/۰۴

نویسنده مسئول مقاله: مهدی حیدری

E-mail: m.heydari@urmia.ac.ir

مقدمه

از نگاه استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی، به اطلاعاتی قابل اتکا گفته می‌شود که سازمان مستقلی بر فرایند گزارش‌گری واحدهای تجاری و مرکز ثقل این فرایند، یعنی صورتهای مالی نظارت کند (حساس‌یگانه و جعفری، ۱۳۸۹). کیفیت خدمات حسابرسی ارائه‌شده حسابرسان مستقل، می‌تواند بر کیفیت گزارش‌گری مالی اثرگذار باشد. دستیابی به کیفیت بالای گزارش‌گری مالی، بستگی به درستی و صحت عمل هر یک از حلقه‌های زنجیره عرضه گزارش‌گری مالی دارد و حسابرسی مستقل که یکی از حلقه‌های این زنجیر است، تأثیر عمده‌ای در حفظ و تقویت کیفیت گزارش‌گری مالی دارد (مشایخی، مهرانی، رحمانی و مداحی، ۱۳۹۲). در سال‌های اخیر، سرمایه‌گذاران و سهامداران خود را در حصار از خبرها و آگهی‌های مربوط به انجام موارد خلاف قاعده در حسابداری گرفتار می‌بینند. این بی‌نظمی‌ها و موارد خلاف عرف حسابداری، نام‌هایی چون حسابداری متهورانه، مدیریت سود و حسابداری فریب‌آمیز به خود گرفته است. در این وضعیت، حسابرسی مستقل فرایند نظارتی‌ای است که به‌منظور کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و کنترل آزادی عمل مدیران در گزارش‌گری مالی استفاده می‌شود (احمدی و جمالی، ۱۳۹۲). حسابرسی مستقل، آثار نامطلوب تفکیک مالکیت و مدیریت را با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین استفاده‌کنندگان و تهیه‌کنندگان صورتهای مالی، رقیق می‌کند. از این رو، خدمات حسابرسی مستقل، ابزار کاهش ریسک اطلاعاتی و افزایش کیفیت گزارش‌گری مالی محسوب می‌شود (کردستانی و رحیمی، ۱۳۸۹). حسابرسی مستقل بخشی از نظام نظارت و اجرا در شرکت‌هاست که کاهش هزینه‌های نمایندگی را تسهیل می‌کند (بادآورن‌نهدی و تقی‌زاده خانقاه، ۱۳۹۲). سرمایه‌گذاران از شرکتهایی که در ساختار مالکیت آنها نشانه‌هایی از مسئله نمایندگی به چشم می‌خورد، انتظار دارند حسابرسان با کیفیت‌تری انتخاب کنند. از سوی دیگر، گروه مدیریت برای جذب اعتماد بازار سرمایه، به استخدام حسابرسان خوش‌نام اقدام می‌کنند (خدادادی و قربانی و خانداری، ۱۳۹۳). با توجه به ماهیت خدمات حسابرسی مستقل، انتظار می‌رود، بهبود کیفیت خدمات حسابرسی مستقل، تأثیر شایان توجهی در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و تضاد منافع بین سهامداران و گروه مدیریت داشته باشد (بادآورن‌نهدی و تقی‌زاده خانقاه، ۱۳۹۲). از این رو، پژوهش حاضر در پی آزمون تجربی اثر کیفیت حسابرسی بر هزینه‌های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی در بورس اوراق بهادار تهران است و بدین منظور سؤال‌های زیر را مطرح کرده است:

۱. آیا کیفیت خدمات حسابرسی مستقل، هزینه‌های نمایندگی را تقلیل می‌دهد؟
۲. آیا کیفیت خدمات حسابرسی مستقل، عدم تقارن اطلاعاتی را تقلیل می‌دهد؟

پیشینه نظری پژوهش

کیفیت حسابرسی

کیفیت حسابرسی، مفهومی چندوجهی است که می‌توان آن را از دیدگاه‌های مختلف بررسی کرد. در یکی از دیدگاه‌ها، گزارش حسابرسی نوعی محصول شمرده می‌شود و کیفیت این محصول از لحاظ مطابقت با استانداردهای تعیین شده، بیان‌کننده کیفیت حسابرسی است. در دیدگاه دیگری، حسابرسی نوعی خدمت در نظر گرفته می‌شود که باید توسط اشخاص واجد شرایط ارائه شود و فرایند انجام این خدمت و ارائه گزارش نتایج آن، تابع ضوابط و استانداردهای خاص است. در صورتی که خدمات یادشده، از لحظه شروع تا پایان که گزارش حسابرسی است، مطابق با استانداردها و ضوابط تعیین شده ارائه شود، کیفیت لازم را دارد (مشایخی و همکاران، ۱۳۹۲). از سه بعد نظارتی، اطلاعاتی و تضمین‌کنندگی می‌توان به دلایل تقاضای بازار سرمایه برای خدمات حسابرسی با کیفیت بالاتر توجه کرد. در نقش نظارتی، مالکان برای نظارت بر نماینده، جلوگیری از رفتارهای فرصت‌طلبانه، عدم تقارن اطلاعاتی و کاهش هزینه‌های نمایندگی، به حسابرسی روی می‌آورند. در نقش اطلاعاتی، از نظر سرمایه‌گذاران، حسابرسی نوعی سازوکار در راستای بهبود کیفیت اطلاعات مالی است که فرایند ارزشمندی تلقی می‌شود. در نقش تضمین‌کنندگی، حسابرسان با ضمانت‌کردن کیفیت اطلاعات مندرج در صورت مالی، هزینه‌های نشئت‌گرفته از دعای حقوقی را کاهش می‌دهند و مدیران را در مقابل اشخاص ثالث بیمه می‌کنند (کردستانی و رحیمی، ۱۳۸۹؛ سجادی و فرازمند و تاج‌الدینی، ۱۳۹۲).

هزینه‌های نمایندگی

یکی از مهم‌ترین روابط نمایندگی، رابطه بین گروه مدیریت و سهامداران شرکت است. امکان دارد اهداف مدیران و مالکان به شکل کامل، مطابق و همسوی هم نباشد؛ به این صورت که سهامدار به دنبال رسیدن به بالاترین مرحله ارزش سرمایه‌گذاری است و مدیر نیز نخست در پی افزایش ثروت خود خواهد بود. به همین دلیل، رابطه نمایندگی به مشکلات و مسائل نمایندگی منتهی می‌شود که بر اساس نظریه نمایندگی، هزینه‌بر است. در نتیجه مالکان باید مخارجی را متحمل شوند تا منافع کارگزاران را با منافع خویش همسو کنند. از آنجا که این مخارج به واسطه شکل‌گیری رابطه نمایندگی پدید می‌آید، هزینه‌های نمایندگی نامیده می‌شود (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶).

عدم تقارن اطلاعاتی

پدیده عدم تقارن اطلاعاتی از آنجا ریشه می‌گیرد که سرمایه‌گذاران تصمیم‌های مالی خود را بر اساس اطلاعاتی اتخاذ می‌کنند که مدیریت شرکت تهیه کرده است و این در حالی است که بر

اساس نظریه نمایندگی، بین منافع مدیریت و سهامداران تضاد بالقوه‌ای وجود دارد، بنابراین می‌توان ادعا کرد که عدم تقارن اطلاعاتی بین گروه مدیریت و سهامداران موضوعی بنیادی برای بازار سرمایه محسوب می‌شود (کلارکسون و ژاکوبسن و باچلر، ۲۰۰۷).

کیفیت حسابرسی، هزینه‌های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی

بر اساس نظریه نمایندگی، توابع مطلوبیت تولیدکننده اطلاعات (گروه مدیریت) و استفاده‌کنندگان از این اطلاعات (سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و...) متفاوت از یکدیگر است که نتیجه این تفاوت‌ها در قالب هزینه‌های نمایندگی ظاهر می‌شود. مدیر که در کانون این تضاد منافع قرار دارد، با ارائه اطلاعات مالی شرکت تلاش می‌کند هزینه‌های نمایندگی را کاهش دهد، اما به دلیل اختیارات مدیریت، به منظور نظارت بر عملکرد مدیر، نیاز به قضاوت کارشناسانه حسابرس مستقل را مطرح می‌کند (رجبی و محمدی خشوئی، ۱۳۸۷). حسابرسان می‌توانند بر انتخاب روش‌های حسابداری توسط مدیریت تأثیر بگذارند. از این رو، صورت‌های مالی نهایی را تحت تأثیر قرار داده و سبب افزایش قابلیت اتکای اقلام مندرج در صورت‌های مالی می‌شوند (کردستانی و رحیمی، ۱۳۸۹). از دید مایانگ‌ساری (۲۰۰۷) زمانی کیفیت حسابرسی بالاست که حسابرسان، انتخاب‌های نامعقول مدیریت را از میان روش‌های حسابداری محدود کنند و مانع ارائه نادرست وضعیت مالی شرکت شوند؛ هنگامی که کیفیت حسابرسی پایین است، حسابرسان نه تنها محدودیتی برای مدیر ایجاد نمی‌کنند، بلکه ممکن است برای استفاده از راه‌های گریز موجود در اصول پذیرفته‌شده حسابداری به مدیر مشاوره داده و وی را در ارائه نادرست وضعیت مالی شرکت یاری کنند. بنابراین، می‌توان ادعا کرد که کیفیت حسابرسی می‌تواند هزینه‌های نمایندگی را تحت‌الشعاع قرار دهد. نبود تمرکز مالکیت، ناتوانی سهامدار در ملاحظه اقدامات و عملیات مدیر را به دنبال دارد. اگر از طرف سهامداران روشی برای کنترل عملیات مدیر به وجود نیاید (ناتوانی در مشاهده اقدامات مدیریت)، فقط مدیر است که می‌داند در راستای منافع سهامداران گام برداشته است یا خیر. از این رو، افزایش کیفیت حسابرسی، عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران آگاه و سهامداران و سایر گروه‌های ذی‌نفع ناآگاه یا کم‌اطلاع را به‌طور چشمگیری کاهش می‌دهد و به دنبال آن، کیفیت اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی افزایش می‌یابد. بنابراین، خدمات حسابرسی مستقل می‌تواند ابزار کارآمدی باشد و در مسیر کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین گروه‌های ذی‌نفع استفاده شود و هر اندازه که کیفیت خدمات انجام‌شده بالاتر باشد، هزینه تحمیل‌شده از پدیده عدم تقارن اطلاعاتی نیز بیشتر تقلیل می‌یابد.

پیشینه تجربی پژوهش

یعقوب‌زاده و رویای و گرایلی (۲۰۱۴) نشان دادند بین اندازه مؤسسه حسابرسی و تخصص حسابرس در صنعت، با عدم تقارن اطلاعاتی رابطه منفی وجود دارد، اما آنها بین چرخش حسابرس و عدم تقارن اطلاعاتی رابطه‌ای مشاهده نکردند. به‌طور کلی، کیفیت حسابرسی در کاهش ناقربندی اطلاعاتی در بازار سرمایه تأثیر شایان توجهی دارد. ادريس (۲۰۱۳) در پژوهشی بیان کرد عدم تقارن اطلاعاتی بین شرکت‌های حسابرسی‌شده توسط مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ و مؤسسه‌های حسابرسی کوچک، تفاوت معناداری با یکدیگر دارند. یکی از محققان در پژوهشی نتیجه گرفت که افزایش کیفیت حسابرسی از طریق تقویت نظام راهبری شرکتی، موجب افزایش کیفیت گزارش‌گری مالی، شفافیت بیشتر محیط اطلاعاتی و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در ارتباط با سهام شرکت در بازار سرمایه می‌شود. ملکیان، معین‌الدین و کلانتری (۱۳۹۰) نشان دادند بین اندازه مؤسسه حسابرسی و عدم تقارن اطلاعاتی رابطه معناداری وجود ندارد، اما بین دوره تصدی حسابرس و عدم تقارن اطلاعاتی رابطه منفی و معناداری برقرار است. دیدار و منصورفر و پرویزی (۱۳۹۱) در پژوهشی نشان دادند کیفیت حسابرسی (به‌عنوان متغیر میانجی) سازوکار نظارتی قوی‌ای است که می‌تواند از طریق بهبود کیفیت گزارش‌گری مالی، مشکلات نمایندگی و مسئله عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش دهد. بخشی از نتایج پژوهش قبلی حاکی از آن بود که کیفیت حسابرسی به‌واسطه قابل اتکاتر کردن ارقام مندرج در صورت‌های مالی، موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه‌های نمایندگی می‌شود. کرمی (۱۳۹۲) نشان داد کاهش هزینه‌های نمایندگی، کاهش حق‌الزحمه حسابرسی و کاهش احتمال انتخاب مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ برای انجام حسابرسی واحدهای تجاری را به همراه دارد. خدای‌پور و دلدار و چوپان (۱۳۹۲) نشان دادند در صورت استفاده از معیار اندازه مؤسسه حسابرسی به‌عنوان معیار کیفیت حسابرسی، هزینه‌های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی بر کیفیت حسابرسی اثر منفی می‌گذارد و در صورت استفاده از نوع گزارش حسابرسی به‌عنوان معیار کیفیت حسابرسی، بین هزینه‌های نمایندگی و کیفیت حسابرسی رابطه معناداری به‌وجود نمی‌آید و عدم تقارن اطلاعاتی، اثر مثبت و معناداری بر کیفیت حسابرسی خواهد داشت. در پژوهشی دیگر، بیرامی و رستمی (۱۳۹۳) به این نتیجه دست‌یافتند که شاخص‌های کیفیت حسابرسی شامل اندازه مؤسسه حسابرسی، دوره تصدی حسابرس و تخصص حسابرس در صنعت، رابطه مثبتی با هزینه‌های نمایندگی دارد.

با توجه به مبانی نظری بیان‌شده، فرضیه‌های پژوهش به‌صورت زیر مطرح می‌شود:

- فرضیه ۱: کیفیت خدمات حسابرسی مستقل، اثر منفی و معناداری بر هزینه‌های نمایندگی دارد.
فرضیه ۲: کیفیت خدمات حسابرسی مستقل، اثر منفی و معناداری بر عدم تقارن اطلاعاتی دارد.

روش‌شناسی پژوهش

جامعه آماری پژوهش شرکت‌هایی را دربرمی‌گیرد که طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲ در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده‌اند و حداقل سه سال از پذیرش آنها در بورس گذشته باشد؛ طی دوره مد نظر تغییر فعالیت و/یا تغییر سالی مالی نداده باشند؛ بیش از سه ماه توقف معاملاتی نداشته باشند؛ در گروه شرکت‌های سرمایه‌گذاری و تأمین مالی قرار نگیرند و پایان سال مالی آنها منتهی به آخر اسفند باشد. با در نظر گرفتن محدودیت‌های پیش‌گفته، ۹۹ شرکت به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، فرایند دومارحله‌ای طی می‌شود؛ به این ترتیب که ابتدا باید از برازش قابل قبول الگوهای اندازه‌گیری اطمینان حاصل کرد؛ سپس به بررسی برازش الگوی ساختاری مد نظر پرداخت. در واقع، چنانچه الگوی اندازه‌گیری برازش مناسبی از اندازه‌گیری متغیر پنهان نشان دهد، برازش الگوی ساختاری با اطمینان بیشتری صورت خواهد گرفت. به همین دلیل، در الگوسازی معادلات ساختاری، آزمون الگوی اندازه‌گیری مقدم بر آزمون الگوی ساختاری است (قاسمی، ۱۳۹۲؛ ابارشی و حسینی، ۱۳۹۱). برای رد یا تأیید فرضیه‌های پژوهش نیز آزمون معناداری هر یک از ضرایب مسیر استانداردشده مدل ساختاری (آزمون تی - استیودنت) اجرا می‌شود. چنانچه احتمال آماره تی - استیودنت کمتر از ۵ درصد باشد، دلیلی بر رد فرضیه‌های پژوهش وجود ندارد.

الگوی پژوهش و متغیرهای آن

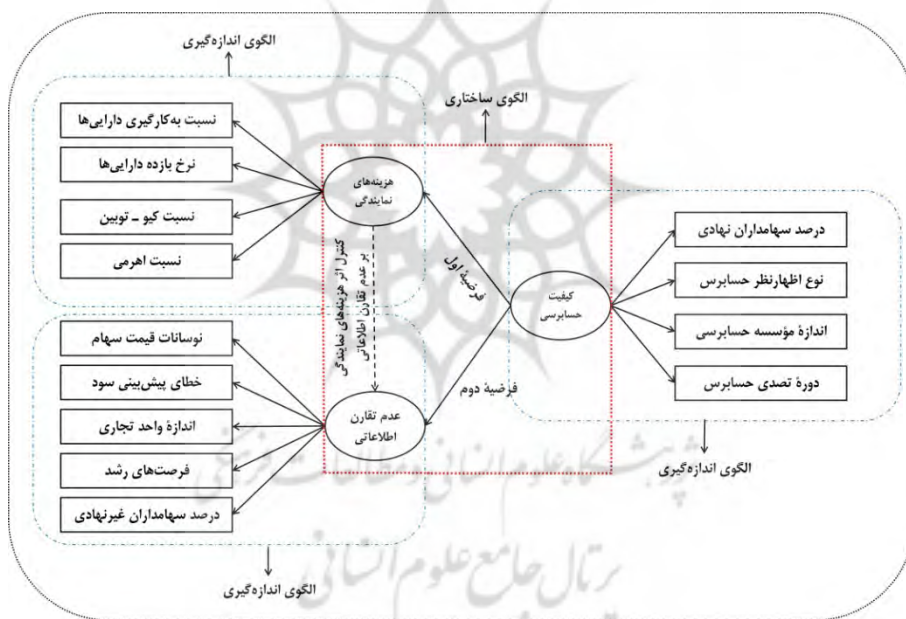
در شکل ۱ الگوی مفهومی پژوهش بر اساس رویکرد الگوسازی معادلات ساختاری ترسیم شده است. دلایل انتخاب این روش را می‌توان به این صورت برشمرد:

اول؛ در ادبیات مالی شرکتی و حسابداری، کیفیت حسابرسی، هزینه‌های نمایندگی و پدیده عدم تقارن اطلاعاتی جزء متغیرهایی هستند که محقق نمی‌تواند به‌صورت مستقیم آنها را مشاهده و اندازه‌گیری کند. از این رو، این متغیرها متغیر پنهان در نظر گرفته‌شده و با استفاده از یک‌سری متغیرهای مشاهده‌پذیر دیگر که معرف رفتار این متغیرها باشند، تعریف می‌شوند.

دوم؛ اغلب مطالعات انجام‌شده مرتبط با پژوهش حاضر، برای بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر هزینه‌های نمایندگی، تنها از متغیر نسبت کارایی فروش و کارایی هزینه‌های عملیاتی (در دو فرضیه جداگانه) به‌عنوان متغیر معرف هزینه نمایندگی استفاده کرده‌اند. در اغلب پژوهش‌های داخلی نیز فقط متغیر شکاف قیمتی برای اندازه‌گیری عدم تقارن اطلاعاتی به‌کار رفته است. با توجه به ماهیت نامشهود و چندبعدی متغیرهای کیفیت حسابرسی، هزینه‌های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی، بهتر بود که این متغیرها، متغیر پنهان در نظر گرفته شوند. از سوی دیگر،

استفاده از یک یا دو متغیر معرف متغیرهای پنهان پیش گفته، موجب می‌شود در رابطه با موضوع پژوهش، تحلیل‌های ناقصی ارائه شود که در نهایت روایی پژوهش تحت‌الشعاع قرار گیرد و انتقادهایی بر آن وارد شود.

سوم؛ استفاده‌نکردن از رویکرد الگوسازی معادلات ساختاری موجب انتقادهایی می‌شود؛ زیرا تجزیه و تحلیل‌های رگرسیونی رایج، تا حد زیادی خطای اندازه‌گیری در متغیرهای توضیحی را نادیده می‌گیرند. در نتیجه یافته‌های رگرسیونی ممکن است نادرست و گمراه کننده باشد. همچنین، مطالعه اثرهای مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای درگیر در الگو برای محقق به آسانی امکان‌پذیر نیست. علاوه بر این موارد، الگوهای رگرسیونی ساختاری ندارند؛ به این معنا که چگونگی رابطه متغیرهای مستقل با یکدیگر و همچنین با متغیر وابسته مشخص نیست (قاسمی، ۱۳۹۲؛ ابارشی و حسینی، ۱۳۹۱).



شکل ۱. الگوی مفهومی پژوهش

متغیرهای پژوهش و نحوه محاسبه آنها کیفیت حسابرسی

در پژوهش حاضر برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی از سنجه‌های مشاهده‌پذیر زیر استفاده شده است:

درصد سهامداران نهادی: حضور سهامداران نهادی در ساختار مالکیت شرکت در نحوه نظارت بر عملیات بنگاه مؤثر است. سهامداران نهادی معمولاً تمایل دارند اطلاعات صحیح و به‌موقعی درباره شرکت کسب کنند و به‌طور مستمر برای ارائه اطلاعات صحیح و دقیق بر شرکت نظارت می‌کنند. بر اساس فرضیه نظارت مؤثر، حضور سهامداران نهادی در ساختار مالکیت شرکت بر نحوه نظارت بر عملیات بنگاه مؤثر است. در راستای اعمال نظارت مؤثر، کیفیت بالای خدمات حسابرسی مستقل از عوامل مهم به‌شمار می‌رود. بر اساس نتایج مطالعات قبلی، گزارش حسابرسی و کیفیت ارائه صورت‌های مالی، نشانه مهمی از سلامت و عملکرد شرکت است؛ به همین دلیل، سهامداران نهادی تلاش می‌کنند از خدمات حسابرسی با کیفیت استفاده کنند. ازببی و همکاران (۲۰۱۰)، تینگ و همکاران (۲۰۱۰) و کین و ولوری (۲۰۰۴) در پژوهش‌های خود به نقش مثبت سهامداران نهادی در افزایش کیفیت خدمات حسابرسی اشاره کرده‌اند (رحیمیان و رضایپور و اختری، ۱۳۹۰)؛

نوع اظهارنظر حسابرسی: هرمانسون و همکاران (۲۰۰۷) و دیلویت (۲۰۱۰) از انتشار گزارش نامقبول به‌عنوان شاخصی برای کیفیت حسابرسی و استقلال حسابرسی استفاده کردند (رحیمیان و همکاران، ۱۳۹۰)؛

اندازه مؤسسه حسابرسی: مؤسسه‌های بزرگ حسابرسی، منابع مالی و انسانی بیشتری دارند که این امر می‌تواند بر صلاحیت حسابرسی مؤثر باشد. از سوی دیگر، به‌دلیل حجم زیاد کار و شهرتی که دارند، نگران از دست‌دادن صاحبکاران خود نیستند؛ از این رو، نسبت به سایر مؤسسه‌ها استقلال بیشتری دارند و به‌طور مسلم کیفیت خدمات آنها، بهتر است (رحیمیان و همکاران، ۱۳۹۰)؛

دوره تصدی حسابرسی: پیچیدگی‌های زیاد در محیط کاری شرکت‌ها موجب می‌شود حسابرسی نتواند در زمان کوتاهی با فعالیت‌های شرکتی که به کار آنها رسیدگی می‌کند، آشنایی کامل پیدا کند. تداوم انتخاب حسابرسی موجب می‌شود حسابرسی به مرور دانش خاص بیشتری کسب کند و این موضوع صلاحیت حرفه‌ای حسابرسی و کیفیت کار حسابرسی را افزایش می‌دهد (کامران و وینچزو و مرلوتی، ۲۰۰۵).

هزینه‌های نمایندگی

با توجه به ماهیت هزینه‌های نمایندگی، این متغیر به‌عنوان متغیر پنهان تعریف می‌شود که برای اندازه‌گیری آن از متغیرهای مشاهده‌پذیر زیر استفاده شده است:

نسبت به‌کارگیری دارایی‌ها: این متغیر چگونگی بهره‌وری و استفاده از دارایی‌های شرکت توسط مدیران را برای ایجاد فروش و سود بیشتر اندازه‌گیری می‌کند. این نسبت به‌عنوان معیار

معکوس برای هزینه‌های نمایندگی به کار می‌رود؛ به این معنا که هر چه این نسبت بالاتر باشد، هزینه‌های نمایندگی پایین‌تر خواهد بود (هنری، ۲۰۱۰).

نسبت بازده دارایی‌ها: منعکس‌کننده این است که مدیریت دارایی‌های شرکت را با چه میزان کارایی و اثربخشی استفاده کرده است. پایین بودن نسبت بازده دارایی‌ها، گویای عملکرد ضعیف مدیریت و وجود مشکلات نمایندگی است (دی، ۲۰۰۸).

نسبت کیو - توبین: عملکرد ضعیف مدیریت، احتمالاً موجب اتخاذ تصمیم‌هایی می‌شود که هزینه‌های نمایندگی را افزایش خواهد داد؛ از این رو، نسبت کیو- توبین پایین‌تر، عملکرد ضعیف مدیران را نشان می‌دهد و می‌تواند بیان‌کننده وجود مشکلات نمایندگی باشد (هنری، ۲۰۱۰). با استفاده از آماره کیو- توبین، می‌توان رابطه بین حقوق مالکیت و ارزش شرکت، فرصت‌های سرمایه‌گذاری و تنوع تصمیمات مدیریت را که همگی گویای عملکرد مدیریت است، سنجش و ارزیابی کرد (ولف، ۲۰۰۳).

نسبت اهرمی: نسبت بدهی بالا، به افزایش فعالیت‌های نظارتی اعتباردهندگان منتهی می‌شود، در نتیجه هزینه‌های نمایندگی کاهش می‌یابد. با افزایش نسبت بدهی، انگیزه اعتباردهندگان برای نظارت بر مدیریت بیشتر می‌شود و موجب کاهش هزینه‌های نمایندگی خواهد شد (مک‌کنل و سرواس، ۱۹۹۰). بنابراین، نسبت اهرمی می‌تواند معیاری برای سنجش هزینه‌های نمایندگی شناخته شود (یانگ و گاریگ‌لیا، ۲۰۱۲).

عدم تقارن اطلاعاتی

در این پژوهش برای اندازه‌گیری عدم تقارن اطلاعاتی از معیارهای زیر استفاده شده است: نوسانات قیمت سهام: درباره نوسانات قیمت سهام و عدم تقارن اطلاعاتی، گرمیر و لدوکس و مگنان و ارتس (۲۰۱۰) استدلال می‌کنند که عدم تقارن اطلاعاتی کمتر، نوسانات ملایم و هموار در قیمت را نشان می‌دهد. بنابراین، انتظار می‌رود نوسانات قیمت سهام با افزایش عدم تقارن اطلاعاتی همراه باشد.

خطای پیش‌بینی سود: گونگ و لی (۲۰۰۹) افشای اطلاعات مربوط به پیش‌بینی‌های سود (افشای اختیاری یا افشای اجباری) را مجرای مهمی برای انتقال اطلاعات توسط گروه مدیریت به بازار تلقی می‌کنند. در شرکت‌هایی که ناقربینگی اطلاعاتی سطح بالاتری دارد، بین افراد درون‌سازمانی و برون‌سازمانی، خطای پیش‌بینی سود افزایش پیدا می‌کند، در نتیجه عدم تقارن اطلاعاتی بیشتری انتظار می‌رود (کریشنا سوامی و سابرامانیا، ۱۹۹۹).

اندازه واحد تجاری: با توجه به اینکه تولید و انتشار اطلاعات هزینه‌بر است، شرکت‌های بزرگی که منابع و متخصصان بیشتری دارند، می‌توانند گزارش‌های مالی دقیق‌تر و تفصیلی‌تری

ارائه کنند. بنابراین، عدم تقارن اطلاعاتی شرکت های بزرگ تر در مقایسه با شرکت های کوچک تر کمتر است (گرمیر و همکاران، ۲۰۱۰).

فرصت های رشد: عدم تقارن اطلاعاتی ناشی از فرصت های رشد و سرمایه گذاری، به مدیریت امکان بیشتری برای دستکاری صورت های مالی می دهد تا بتواند به وسیله مبادلات خودی و همچنین افزودن به مزیت های جبران خدمت، منابع را به خود منتقل کند (شیرین بخش و عارفش منش و بذرافشان (۱۳۹۲)، کلارکسون و همکاران (۲۰۰۷) برای سنجش عدم تقارن اطلاعاتی، از متغیر فرصت های رشد استفاده کرده اند.

درصد سهامداران غیر نهادی: مالکان غیر نهادی شرکت نسبت به سایر سهامداران، بیشتر در معرض عدم تقارن اطلاعاتی قرار دارند و پژوهشگرانی همچون لین و پنتزالیس و پارک (۲۰۰۷) و خدای پور و دلدار و خانی (۱۳۹۲) نیز از این معیار برای اندازه گیری عدم تقارن اطلاعاتی استفاده کرده اند. در جدول ۱ نحوه محاسبه متغیرهای پژوهش بیان شده است.

جدول ۱. نحوه محاسبه متغیرهای پژوهش

متغیر اصلی	متغیرهای مشاهده پذیر	نحوه محاسبه
کیفیت حسابرسی	درصد سهامداران نهادی	درصد سهام نگهداری شده توسط نهادهای سرمایه گذار عمده به کل سهام منتشر شده شرکت
	نوع اظهار نظر حسابرس	سال هایی که شرکت گزارش تعدیل شده دارد کد ۱ و برای سایر سال ها کد صفر
	اندازه مؤسسه حسابرس	سال هایی که شرکت توسط سازمان حسابرسی، حسابرسی شده است کد ۱ و برای سایر سال ها کد صفر
	دوره تصدی حسابرس	چنانچه حسابرس بیش از ۴ سال حسابرس شرکت صاحبکار باشد کد ۱ در غیر این صورت کد صفر
هزینه های نمایندگی	نسبت بازده دارایی ها	جمع دارایی ها / سود خالص
	نسبت به کارگیری دارایی ها	جمع دارایی ها / جمع فروش
	نسبت اهرمی	جمع دارایی ها / جمع بدهی ها
عدم تقارن اطلاعاتی	نسبت کیوتوبین	جمع دارایی ها / (جمع بدهی های بلندمدت + ارزش بازار شرکت)
	نوسانات قیمت سهام	انحراف معیار درصد تغییرات روزانه قیمت سهام
	اندازه واحد تجاری	لگاریتم طبیعی جمع دارایی ها
	فرصت های رشد	ارزش دفتری شرکت / ارزش بازار شرکت
	خطای پیش بینی سود	قدر مطلق سود واقعی هر سهم / قدر مطلق تفاوت سود واقعی و پیش بینی شده هر سهم
درصد سهامداران غیر نهادی	(درصد سهام نگهداری شده توسط نهادهای سرمایه گذار عمده به کل سهام منتشر شده شرکت) - ۱	

بر اساس الگوی مفهومی پژوهش، اثر هزینه های نمایندگی بر پدیده عدم تقارن اطلاعاتی به عنوان رابطه مؤثر بین متغیرهای مطالعه شده، کنترل شده است.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

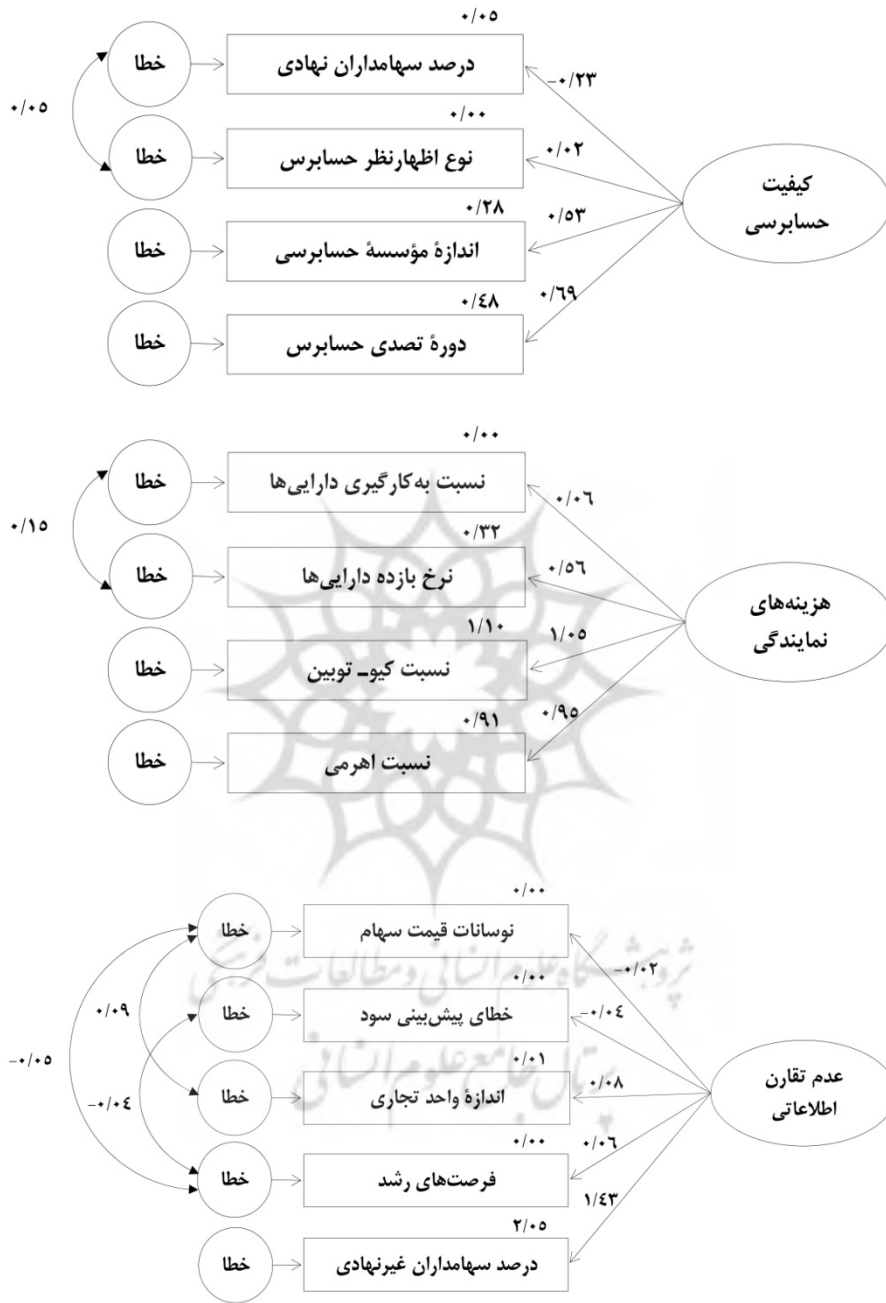
همان‌طور که در نتایج آمار توصیفی مشاهده می‌شود، بیشترین مقدار میانگین و انحراف معیار به ترتیب به متغیرهای اندازه شرکت (۶/۰۶۷۶) و خطای پیش‌بینی سود (۱۶/۴۶۰۳) اختصاص دارد. کمترین مقدار میانگین و انحراف معیار نیز متعلق به متغیر نوسانات قیمت سهام (۰/۰۸۰۶) و (۰/۱۸۹۷) است.

جدول ۲. نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	تعداد مشاهدات	میانگین	میان	انحراف معیار
درصد سهامداران نهادی	۷۹۲	۰/۵۱۰۳	۰/۵۲۰۰	۰/۲۷۷۳
نوع اظهار نظر حسابرس	۷۹۲	۰/۵۷۰۰	۱	۰/۴۹۵۰
اندازه مؤسسه حسابرسی	۷۹۲	۰/۲۸۰۰	۰	۰/۴۵۱۰
دوره تصدی حسابرسی	۷۹۲	۰/۵۰۰۰	۰	۰/۶۲۴۰
نسبت بازده دارایی‌ها	۷۹۲	۰/۱۳۶۴	۰/۱۰۱۸	۰/۲۰۲۸
نسبت به‌کارگیری دارایی‌ها	۷۹۲	۰/۹۳۰۹	۰/۷۵۹۹	۰/۹۹۸۴
نسبت کیو-توبین	۷۹۲	۱/۰۰۳۳	۰/۶۹۹۲	۱/۲۸۸۳
نسبت اهرمی	۷۹۲	۰/۹۶۳۳	۰/۶۸۰۸	۱/۲۳۶۸
نوسانات قیمت سهام	۷۹۲	۰/۰۸۰۶	۰/۰۲۹۹	۰/۱۸۹۷
خطای پیش‌بینی سود	۷۹۲	۱/۹۱۷۳	۰/۳۱۴۰	۱۶/۴۶۰۳
اندازه واحد تجاری	۷۹۲	۶/۰۶۷۶	۵/۹۱۳۰	۰/۷۵۹۸
فرصت‌های رشد	۷۹۲	۰/۹۰۹۹	۰/۵۹۰۳	۱/۳۹۳۳
درصد سهامداران غیرنهادی	۷۹۲	۰/۴۸۹۷	۰/۴۸۰۰	۰/۲۷۷۳

اعتبارسنجی الگوهای اندازه‌گیری پژوهش

در شکل ۲ به ترتیب الگوهای اصلاح‌شده کیفیت حسابرسی، هزینه‌های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی همراه با بارکنش‌های مربوط به هر یک از این الگوها نشان داده شده است. بر اساس مقادیر جدول ۳ می‌توان گفت الگوهای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی، هزینه‌های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی، اعتبار کافی برای اجرای آزمون فرضیه‌های پژوهش دارند.



شکل ۲. الگوهای اندازه‌گیری اصلاح‌شده پژوهش (کیفیت حسابرسی، هزینه‌های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی)

جدول ۳. شاخص‌های نیکویی برازش الگوهای اندازه‌گیری همراه با سطح قابل پذیرش شاخص‌ها

CMIN/df	RMSEA	CFI	GFI	χ^2	الگوهای اندازه‌گیری پژوهش
۰/۱۵۲	۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۶۹۷	کیفیت حسابرسی
۱/۱۵۹	۰/۰۱۴	۱/۰۰۰	۰/۹۹۹	۰/۲۸۲	هزینه‌های نمایندگی
۰/۵۰۰	۰	۱/۰۰۰	۰/۹۹۹	۰/۶۰۷	عدم تقارن اطلاعاتی

به‌منظور بررسی بیشتر برازش الگوهای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی، هزینه‌های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی، در جدول ۴ مقادیر ماتریس کواریانس خطای باقی‌مانده استاندارد شده درج شده است. این کواریانس استاندارد شده دارای توزیع Z است، زمانی گفته می‌شود برازش مدل در حد قابل قبول است که مقادیر خطای باقی‌مانده در بازه $-۱/۹۶$ و $+۱/۹۶$ باشد. از آنجا که مقادیر به‌دست‌آمده در بازه مطلوب قرار گرفته‌اند، می‌توان ادعا کرد که ماتریس کواریانس ضمنی و ماتریس کواریانس نمونه از نظر آماری، تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند.

جدول ۴. مقادیر کواریانس باقی‌مانده استاندارد شده

متغیرهای الگوی اندازه‌گیری	درصد سهامداران نهادی	نوع اظهارنظر حسابرس	اندازه مؤسسه حسابرسی	دوره تصدی حسابرس
درصد سهامداران نهادی	۰	۰	۰	۰
نوع اظهارنظر حسابرس	۰	۰	۰	۰
اندازه مؤسسه حسابرس	-۰/۰۳۱	-۰/۲۷۴	۰	۰
دوره تصدی حسابرس	۰/۰۱۷	۰/۱۵۵	۰	۰
متغیرهای الگوی اندازه‌گیری	نسبت به کارگیری دارایی‌ها	نرخ بازده دارایی‌ها	نسبت کیوتوبین	نسبت اهرمی
نسبت به کارگیری دارایی‌ها	۰	۰	۰	۰
درصد بازده دارایی‌ها	۰	۰	۰	۰
نسبت کیو-توبین	-۰/۸۴۲	-۰/۰۴۱	۰	۰
نسبت اهرمی	-۰/۸۸۵	-۰/۰۴۴	۰	۰

ادامه جدول ۴

متغیرهای الگوی اندازه گیری	نوسانات قیمت سهام	خطای پیش بینی سود	اندازه واحد تجاری	فرصت های رشد	درصد سهامداران غیر نهادی
نوسانات قیمت سهام	۰/۰۰۳	۰	۰	۰/۰۰۱	۰
خطای پیش بینی سود	-۰/۳۳۳	۰/۷۴۱	۰	-۰/۰۰۱	۰
اندازه واحد تجاری	-۰/۰۲۶	۰/۰۱۹	-۰/۵۶۳	-۰/۰۰۱	۰
فرصت های رشد	-۰/۰۳۵	۰/۰۵۳	-۰/۰۰۳	-۰/۰۳۵	۰
درصد سهامداران غیر نهادی	-۰/۰۰۹	۰/۰۵۳	-۰/۰۰۳	-۰/۰۳۵	۰

اعتبار سنجی الگوی ساختاری پژوهش

در مرحله ارزیابی الگوی ساختاری و هنگام بررسی روابط بین متغیرهای پنهان، بارکنش های الگوی اندازه گیری دوباره برآورد می شود. چنانچه مقادیر بارکنش ها در دو الگو، تفاوت آشکاری با یکدیگر داشته باشند، مؤید وضعیت درماندگی در تفسیر است. در الگوی ساختاری، فرضیه های پژوهش آزمون می شوند. شاخص های برازش الگوی ساختاری مربوط به آزمون فرضیه های پژوهش که در جدول ۵ ارائه شده است، مبین برازش قابل قبول الگوی ساختاری و مواجه نشدن با پدیده درماندگی در تفسیر است.

جدول ۵. شاخص های نیکویی برازش الگوی ساختاری همراه با سطح پذیرفته شده شاخص ها

الگوی ساختاری پژوهش	χ^2	GFI	CFI	RMSEA	CMIN/df
روابط بین الگوهای اندازه گیری پژوهش	۰/۱۳۷	۰/۹۹۱	۱/۰۰۰	۰/۰۱۸	۱/۲۶۰
	بزرگ تر از ۵ درصد	بزرگ تر از ۹۵ درصد	بزرگ تر از ۹۵ درصد	کوچک تر از ۱۰ درصد	کوچک تر از ۳ درصد

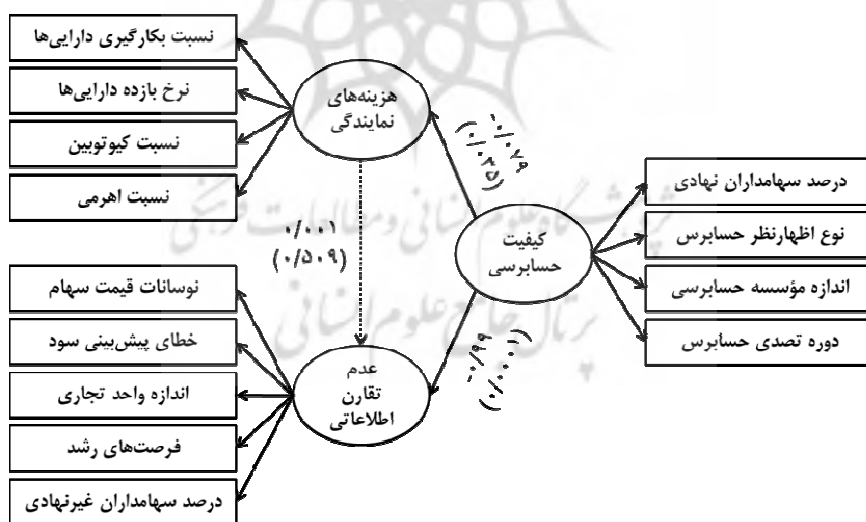
پس از کسب اطمینان از نیکویی برازش الگوی ساختاری پژوهش، نوبت به بررسی فرضیه های پژوهش (تفسیر ضرایب برآورد شده بین متغیرهای پنهان کیفیت حسابرسی، هزینه های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی) می رسد.

طبق نتایج مندرج در جدول ۶، سطح معناداری اثر کیفیت حسابرسی بر هزینه های نمایندگی (۰/۰۳۵) کمتر از ۵ درصد است. آنجا که ضریب مسیر (-۰/۰۷۹) نیز منفی به دست آمده، می توان ادعا کرد که کیفیت حسابرسی اثر منفی و معناداری بر هزینه های نمایندگی می گذارد؛ از این رو، دلیلی بر رد فرضیه اول پژوهش وجود ندارد. همچنین، سطح معناداری اثر کیفیت حسابرسی بر

عدم تقارن اطلاعاتی (۰/۰۰۰۱) کمتر از ۵ درصد و ضریب مسیر (۰/۹۹-) نیز منفی به دست آمده است و می‌توان ادعا کرد که کیفیت حسابرسی اثر منفی و معناداری بر عدم تقارن اطلاعاتی می‌گذارد؛ از این رو، دلیلی بر رد فرضیه دوم پژوهش وجود ندارد. در بررسی رابطه بین متغیرهای اثر هزینه‌های نمایندگی بر عدم تقارن اطلاعاتی، آماره‌های به دست آمده از برازش الگوی ساختاری پژوهش نشان می‌دهد هزینه‌های نمایندگی تأثیر مثبتی (۰/۰۰۰۱) بر عدم تقارن اطلاعاتی می‌گذارد، هرچند شدت آن از نظر آماری (۰/۵۰۹) معنادار نیست. در شکل ۳ الگوی ساختاری پژوهش به همراه ضرایب مسیر (سطح معناداری) ارائه شده است.

جدول ۶. مقادیر برآوردشده الگوی ساختاری پژوهش

فرضیه پژوهش	روابط بین متغیرهای الگوی ساختاری	ضریب مسیر	معناداری
فرضیه اول	کیفیت حسابرسی ← هزینه‌های نمایندگی	-۰/۰۷۹	۰/۰۳۵
فرضیه دوم	کیفیت حسابرسی ← عدم تقارن اطلاعاتی	-۰/۹۹	۰/۰۰۰۱
تأثیر هزینه نمایندگی بر عدم تقارن اطلاعاتی	هزینه‌های نمایندگی ← عدم تقارن اطلاعاتی	۰/۰۰۱	۰/۵۰۹



شکل ۳. الگوی ساختاری پژوهش به همراه ضرایب مسیر (سطح معناداری)

نتیجه گیری و پیشنهادها

در پژوهش حاضر به بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر هزینه‌های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی پرداخته شد. نتایج فرضیه اول پژوهش نشان داد بالابودن کیفیت خدمات حسابرسی، کاهش هزینه‌های نمایندگی را به دنبال دارد. مطابق با مبانی نظری، چنانچه خدمات حسابرسی مستقل با کیفیت بالاتری همراه باشد، حسابرسی مستقل به عنوان سازوکار نظارتی، انتخاب‌های غیرمعقول مدیریت از میان روش‌های حسابداری را محدود می‌کند، از ارائه نادرست وضعیت مالی شرکت توسط گروه مدیریت ممانعت به عمل می‌آورد، ارقام گزارش شده در سطح صورت‌های مالی را اعتبار بیشتری می‌بخشد و از منافع صاحبان منابع در برابر انتقال ثروت آنان به سایر گروه‌های ذی‌نفع محافظت می‌کند. مایانگ‌سازی (۲۰۰۷) به نتایج مشابهی دست یافتند، اما این یافته‌ها با نتایج پژوهش بیرامی و رستمی (۱۳۹۳) همخوانی نداشت.

نتایج فرضیه دوم پژوهش حاکی از آن است که هر اندازه کیفیت حسابرسی بالاتر باشد، سطح ناقربندی اطلاعاتی بین گروه‌های ذی‌نفع شرکت کاهش می‌یابد. در واقع کیفیت بالای خدمات حسابرسی، قابلیت اعتبار و دامنه اطلاعات افشاشده شرکت را افزایش می‌دهد و از طریق افزایش شفافیت محیط اطلاعاتی واحد تجاری، موجب می‌شود هزینه‌های انتخاب ناسازگار (مرتبط با سهامداران و سرمایه‌گذاران) و هزینه اقدامات فرصت طلبانه کاهش پیدا کند. این نتایج نیز با یافته‌های بروان و هیلی‌جیست (۲۰۰۷)، الموتیری و دان و اسکاتنز (۲۰۰۹)، تاو (۲۰۱۲)، ملکیان و همکاران (۱۳۹۰)، مرادی (۱۳۹۲) سازگار است، اما با نتایج پژوهش ادریس (۲۰۱۳) همخوانی ندارد.

بر اساس نتایج پژوهش، پیشنهادهایی در دو گروه اصلی به شرح زیر ارائه می‌شود:

۱. متقاضیان خدمات حسابرسی مستقل: معیارهای کیفیت در مقطع انتخاب حسابرس، تقاضای گزارش اثربخش از حسابرسان درباره کیفیت حسابرسی، در نظر گرفتن حق الزحمه متناسب با کار حسابرسی، افزایش آگاهی نسبت به کارکردها و مسئولیت‌های حسابرس، توجه به محتوا و کیفیت گزارش‌های حسابرسی در فرایند تصمیم‌گیری در مجامع عمومی و ارزیابی عملکرد گروه مدیریت را در کانون توجه خود قرار دهند.

۲. متولیان حرفه: به مسائلی چون فراهم‌سازی تمهیدات لازم برای بزرگ‌شدن یا ادغام مؤسسه‌های حسابرسی، استقرار نظام کنترل کیفیت اثربخش در حرفه حسابرسی، فرهنگ‌سازی و آموزش ذی‌نفعان در خصوص خدمات حسابرسی مستقل، پیگیری استقرار نظام‌های کنترلی و نظارتی اثربخش در داخل واحدهای تجاری و تقاضای گزارش از گروه مدیریت شرکت‌ها در قبال کیفیت گزارشگری مالی، توجه کنند.

پیشنهاد می‌شود در پژوهش دیگری، تأثیر نظام راهبری شرکتی بر رابطه بین کیفیت حسابرسی و متغیرهای هزینه‌های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی بررسی شود. از آنجا که اغلب شرکت‌های عضو نمونه پژوهش، ارقام مربوط به هزینه‌های حسابرسی را به صورت قلم جداگانه در سطح صورت‌های مالی افشا نکردند، از به‌کاربردن این متغیر صرف‌نظر شد. در مقایسه سازمان حسابرسی و مؤسسه‌های عضو جامعه حسابداران رسمی، دولتی بودن سازمان حسابرسی، عامل مزاحمی برای بررسی‌های اندازه مؤسسه حسابرسی محسوب می‌شود.

References

- Abarashi, A. & Hosseini, S. Y. (2012). *Structural equation modeling approach*. Tehran: Jameeshenasan Publications. (in Persian)
- Ahmadi, M. & Jamali, K. (2014). The effect of audit quality on future stock returns of listed companies in Tehran Stock Exchange, *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 20(4), 1-20. (in Persian)
- Almutairi, A. R. Dunn, K. A. & Skantz, T. (2009). Auditor tenure, auditor specialization, and information asymmetry. *Managerial Auditing Journal*, 24(7), 600-623.
- Badavar Nahandi, Y. & Taghizadeh Khanaghah, V. (2013). The relationship between audit quality and investment efficiency. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 20(2), 19-42. (in Persian)
- Birami, L. & Rostami, V. (2014). The effect of the audit quality on agency costs of listed companies in Tehran Stock Exchange. *Journal of Economic*, 14 (9-10), 41-54. (in Persian)
- Cameran, M., Di Vincenzo, D. & Merlotti, E. (2005). The audit firm rotation rule: A review of the literature. *Working paper*, Bocconi University.
- Clarkson, G., Jacobsen, T. E. & Batcheller, A. L. (2007). Information asymmetry and information sharing. *Government Information Quarterly*, 24(4), 827-39.
- Cormier, D., Ledoux, M.J.E., Magnan, M. & Aerts, W. (2010). Corporate governance and information asymmetry between managers and investors. *Journal of Corporate Governance*, 10(5), 574-589.
- Dey, A. (2008). Corporate governance and agency conflicts. *Journal of Accounting Research*, 46(5), 1143-1181.

- Didar, H., Mansourfar, Gh. & Parvizi Rahat, M. (2012). The mediation of audit quality on the relationship between agency problems and financial reporting quality. *A Quarterly Journal of Empirical Research of Financial accounting*, 2(6), 115-132.
- Ghasemi, V. (2013). *Structural equation modeling in social researches using Amos graphics*. Tehran: Jameeshenasan Publications. (in Persian)
- Hassasyeganeh, Y. & Jafari, V. (2010). Study of the effect of audit firm rotation upon audit report quality of Listed Companies in Tehran Stock Exchange. *Quarterly journal of securities exchange*, 3(9), 25-42. (in Persian)
- Henry, D. (2010). Agency costs, ownership structure and corporate governance compliance: A private contracting perspective. *Pacific-Basin Finance Journal*, 18(1), 24-46.
- Idiris, V. (2013). The relationship between information asymmetry and the quality of audit: An empirical study in Istanbul Stock Exchange. *International Business Research*, 6(10), 132-140.
- Jensen, M.C. & Meckling, W.H. (1976). Theory of the firm: managerial behavior, agency costs and ownership structure. *Journal of Financial Economics*, 3(4), 305-360.
- Karami, M. (2013). *The effect of agency costs on auditing in Tehran Stock Exchange*, Master's Thesis, Islamic Azad University of Marvdasht. (in Persian)
- Khodadadi, V., Ghorbani, R. & Khandari, N. (2014). Investigating the effect of ownership structure on audit fees. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 21(1), 57-72.
- Khodamipour, A., Deldar, M. & Choupan, M. (2013). Effect of information asymmetry and company life cycle on future stocks return: evidence from Tehran Stock Exchange. *Empirical Studies in Financial Accounting Quarterly*, 11(38), 143-167. (in Persian)
- Khodamipour, A., Deldar, M. & Khani, M. (2013). The effect of agency costs and information asymmetry on audit quality. *Journal of Audit Science*, 12(49), 121-140. (in Persian)
- Kordestani, Gh. & Rahimi, M. (2010). Audit quality, cost of capital and earning management. *Emirical Studies in Financial Accounting*, 26(7), 71-92 (in Persian).

- Krishnaswamis, S. & Subramaniam, V. (1999). Information asymmetry, valuation, and the corporate spin-off decision. *Journal of Financial Economics*, 53(1), 73-112.
- Lin, J. B., Pantzalis, C. & Park, J. C. (2007). Corporate use of derivatives and excess value of diversification. *Journal of Banking and Finance*, 31, 889-913.
- Malakian, E., Moien-Addin, M. & Kalantary, A. (2011). The relationship between audit quality of the external auditor and bid-ask spread in Tehran Stock Exchange. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 66 (18), 69-80.
(in Persian)
- Mashaekhi, B., Mehrani, K., Rahmani, A. & Madahi, A. (2013). Development of audit quality model. *Quarterly journal of securities exchange*, 6(23), 103-137. (in Persian)
- Mayangsari, S. (2007). The auditor tenure and the quality of earnings: Is mandatory auditor rotation useful? *Working Paper*, Universitas Trisakti.
- McConnel, J. J. & Servaes, H. (1990). Additional evidence on equity ownership and corporate value. *Journal of Financial Economics*, 27(2), 595- 612.
- Rahimian, N., Rezapour, N. & Akhzari, H. (2011). The role of institutional ownership in audit quality: evidence from Iran. *Journal of Audit Science*, 11(45), 68-82. (in Persian)
- Rjabi, R. & Mohammadi, H. (2008). Agency costs and independent audit service pricing. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 14(53), 35-52. (in Persian)
- Sajadi, S. H., Farazmand, H. & Tajadini, A. (2013). The effect of audit quality on cost of equity capital. *Journal of Empirical Research in Accounting*, 3(10), 109-138. (in Persian)
- Shirinbakhsh, Sh, Arefmanesh, Z. & Bazrafshan, A. (2013). Information Asymmetry: Evidences about the Relationship between Auditor Tenure and Auditor Specialization. *Empirical Studies in Financial Accounting Quarterly*, 11(37), 149-176.
- Wolfe, J. (2003). The Tobin'q as a company performance indicator. *Journal of Development in Business Simulation and Experimental Learning*, 30, 155-160.

Yaghoobnezhad, A. Royae, R. & Gerayli, M. S. (2014). The effect of audit quality on information asymmetry: empirical evidence from Iran. *Asian Journal of Research in Banking and Finance*, 4(1), 128-139.

Yang, J. & Guariglia, A. (2012). Is investment inefficiency caused by financial constraints or agency costs? *SSRN Electronic Journal*, Available in: www.ssrn.com.

